



برای نجات جان ولی  
فیض مهدوی ، اقدامات  
فوری لازم است!

صفحه ۳

من و دو نازنین  
کمپین گسترده ای که انسانیت را  
نمایندگی میکند!

صفحه ۴



جنایت فراموش  
نشدنی تابستان 67!



بابک شدیدی

این اسامی را به  
خاطر بسپارید  
این هفته: جعفر نیری

در تابستان 1367 در فاصله ای کمتر  
از یک ماه چندین هزار زندانی سیاسی  
مرد و زن را اعدام کردند. به جای  
تیرباران آنان را به دار کشیدند تا  
خونشان مانند نهر جاری نشود، صدای  
گلوله های جوخه اعدام طنین نیفکند تا  
راز این جنایت سر به مهر بماند، تا  
انسانها از درد تکه تکه شدن جگرش سر  
به طغیان بر ندارد. این هزاران نفر، این  
بهترین ها ، بسادگی می توانستند جان  
سالم بدر برند بشرطی که به خواستهای  
پلید نیری و غیره گردن گذارند، به  
آرمان های خود پشت پا زنند

صفحه ۲

سخنرانی مینا احدی در دانشگاه تریر در آلمان

صفحه ۳



اعدام عملی شنیع و ضد انسانی است!

## از صفحه ۱

پارفاقایشان را لو دهند و به خدمت گذار این دون صفتان تبدیل شوند. اما به ریش جادوگر آب دهن پرتاب" کردند و بجای فروختن آینده انسانها بر طناب مرگ بوسه زدند. آیا این ذخیره بزرگ و تهی ناشدنی ما برای پیمودن راه انقلاب نیست؟ آیا می توان برای بزرگی این ذخیره اندازه و قیمتی گذاشت؟

کشتار 67 چشم دوختند و در مورد این جنایت هولناک سکوت اختیار کردند. دولتها و مطبوعات کشورهای غرب لب از لب باز نکردند و نگزاردند خیر این قتل عام به افکار عمومی جهان برسد. اما زخم کهنه بسته نشد و به همت افشاگری مبارزان آزادیخواه و انقلابی، داغ ننگ همچنان بر پیشانی رژیم اسلامی باقی ماند. امروز بعد از 17 سال از کشتار زندانیان سیاسی، بحران موجودیت جمهوری اسلامی روز بروز شدیدتر می شود. نسل جدیدی به میدان آمده که هر حرکتش این رژیم را به لرزه در می آورد. اعتراضات اقشار و طبقات گوناگون در هر گوشه سربلند می کند و فرو می نشیند تا بار دیگر بلندتر سرکشد. در میان همه جبهه های مبارزه که باید علیه جمهوری اسلامی و برای سرنگونی اش پیش برد،

در 17 سالی که گذشت، آمران و عاملان کشتار 67 کوشیدند این واقعه را از حافظه جامعه پاک کنند. رسوایان تلاش کردند نقش خود را در کشتار تا حد مامورین معذوری که از فرمان خمینی پیروی می کردند تنزل دهند. تعداد زیادی از بازجویان و شکنجه گران و مقامات امنیتی دهه 1360 "دوم خردادی" های امروز اند؛ آنان دستان خون آلود خود را شستند و لباس روزنامه نگاری و اصلاح طلبی به تن کردند تا جوانان ناآشنا با وقایع آن دوران را بفریبند. بجای اعتراض به این کشتار به "کشایشهای سیاسی" بعد از

حسابرسی بر سر کشتار 67 جایگاه ویژه ای دارد. این زخمی است که تنها مرهمش سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

## درود جاباخندگان تابستان

1367

## مرگ بر جمهوری اسلامی!

## گفتگوی میان مامور اعدام

## زندانیان سیاسی در کشتار

## 67 و جعفر نیری

## (رئیس دادگاههای انقلاب

## اسلامی مرکز مستقر

## دراوین در مقام قاضی

## (شرح

مامور اعدام: « سه دقیقه

کافی نیست. وقتی بعد از ده

دقیقه آنها را از چنگک پائین

می آوریم بعضی هنوز جان

دارند ، لطفا وقت بیشتری

برای این کار بگذارید »

نیری: « وقت اضافی نداریم.

همان 3 دقیقه کافی است »

مامور اعدام: « چرا تیر

بارانشان نمی کنیم؟ این که

خیلی سریعتر است »

نیری: « اینجا امکاناتمان زیاد

نیست. وقتی نعش کشها در

خیابانها به حرکت در می آیند

خون ازشان راه می افتد؛ می

خواهید همه عالم بفهمند ما

اینجا چکار می کنیم؟»



(به نقل از کتاب خاطرات یک زندانی از زندان های جمهوری اسلامی - رضا غفاری)

گلزار خاوران گورستانی است در جاده خراسان تهران.

محوطه بزرگی که دیواری بدور آن کشیده شده است؛ و

بخشی از آن گورستان بهائیان است. جمهوری اسلامی به

خیال خود برای تحقیر زندانیان سیاسی کمونیست آنان

را در اینجا بدون نام و نشان دفن کرده است. حزب الله به

اینجا نام "لغت آباد خاوران"

نام گذاشته بود



در تمام موارد فوق هر کس

در هر مرحله اگر بر سر نفاق

باشد، حکمش اعدام است،

سریعا دشمنان اسلام را نابود

کنید. در مورد رسیدگی به

وضع پرونده ها در هر

صورت که حکم سریع تر

اجرا گردد ، همان مورد نظر

است.

روح اله الموسوی الخمينی

روز 9 شهریور 1367،...

را همراه با گروهی از

زندانیان، يك به يك به دادگاه

بردند و همان آخوند جلال

"نیری" چند سؤال را برایشان

تکرار کرد: "نماز می خوانی؟

سازمانت را محکوم می کنی؟"

و .... جواب داد: "این تفتیش

عقاید است و جواب نمی دهم."

هنوز اکثر زندانیان از جنایتی

که در شرف وقوع بود بی

خبر بودند. بعضی از بچه فکر

می کردند آنان را به انفرادی

خواهند برد، یا می خواهند

مذهبی ها را از غیر مذهبی ها

تفکیک کنند. اما ... به آنان گفت:

"از این خبرها نیست. همه را

می برند اعدام کنند." او در

راهرو، چشم بندش را بالا زده

بود و پاسدارها هم دیگر به او

کاری نداشتند. بعد ... به

زندانیانی که در يك طرف

راهرو در صف اعدامی ها

ایستاده بودند گفت: "بیانید

دست هم را بگیریم." آنوقت

شروع به خواندن سرود

انترناسیونال کرد و بقیه با او

همصدا شدند. این سرود

پیروزی بود. پیروزی بر

حبس و شکنجه و اعدام. این

سرود آینده بود. آینده مرگ

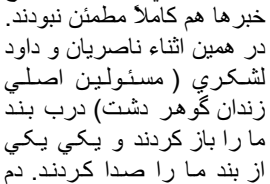
دشمنان پرولتاریا. و طلوع

درخشان آرمانی که ... و

رفیقانش برای آن زیستند و

جنگیدند و جان باختند.

سرخشان گرامی باد!



خبري رسید مبني بر اینکه:

تحت عنوان مسلمان هستي با

نه؟ قتل عام راه انداخته اند!

باور کردنی نبود و منابع

خبرها هم کاملاً مطمئن نبودند.

در همین اثناء ناصریان و داود

لشکری (مسئولین اصلی

زندان گوهر دشت) درب بند

ما را باز کردند و یکی یکی

از بند ما را صدا کردند. دم

درب از ما سؤال کردند آیا

حاضرید نماز بخوانید؟ که از

جمعیت 70 نفره بند ما فقط 9

نفر پذیرفتند . از یک زندانی

یوآشکی پرسیدم می دانی چه

خیر است؟ گفت: هزیت عفو

است و دارند نماز خوانها را

از نماز خوانها جدا می کنند

که در سمت چپ نماز خوانها

هستند و در سمت راست نماز

خوانها! بیچاره ما که اصلاً

خبر نداشتیم به چه مسلخی

داریم می رویم. همان لحظه

برای همیشه و آخرین بار از

عده ای از دوستان قدیمی و

بسیار صمیمی که طی سالیان

در تمام سختی ها با هم بودیم

از هم جدایمان کردند. نیری

و اشراقی کنار هم پشت میز

نشسته بودند.



بریتانیا در کار صدور وسایل اعدام است، تلاش های بریتانیا برای مخالفت با حکم اعدام در جهان مسخره خواهد بود.

یکی از سخنگویان سازمان عفو بین الملل می گوید بر اساس قوانین تازه اتحادیه اروپا در زمینه تجارت که از ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶ به اجرا در می آیند، صادرات چوبه دار غیر قانونی خواهد بود.

یکی از سخنگویان اداره تجارت و صنعت گفته است که دولت از اینکه صدور چوبه دار غیر قانونی اعلام شده خشنود است.

## محکومیت فروشنده چوبه های دار از سوی سازمان عفو بین الملل

### تغییر قوانین

او می گوید قیمت چوبه های دار بسته به نوع آنها متفاوت است، یک چوبه دار حدود ۱۲ هزار پوند به فروش می رسد، اما چوبه های دار چند تایی که روی کامیون های بارکش نصب می شوند حدود ۱۰۰ هزار دلار قیمت دارند. مدیر دفتر بریتانیای سازمان عفو بین الملل می گوید: "وحشتناک است که یک بریتانیایی ظاهراً قصد دارد به رئیس جمهور موبگابه (در زیمبابوه) چوبه دار بفروشد." سال هاست بر سر خلاء قانونی در مورد تجهیزات اعدام بحث می شود. اگر شرکتی در خود بریتانیا در کار صدور وسایل "سال هاست بر سر خلاء قانونی در مورد تجهیزات اعدام بحث می شود. اگر شرکتی در خود

سازمان عفو بین الملل که یک سازمان فعال در زمینه حقوق بشر است، یک مزرعه دار بریتانیایی را که چوبه دار می سازد و آنها را به کشورهای با سابقه ضعیف در زمینه حقوق بشر می فروشد، محکوم کرده است.

دیوید لوکاس گفته است حدود ده سال است که تجهیزات اعدام را به کشورهای نظیر زیمبابوه می فروشد.

سازمان عفو بین الملل می گوید فروش چوبه دار که بر اساس قوانین تازه اتحادیه اروپا از ماه ژوئیه غیر قانونی خواهد شد، "وحشتناک" است.

اما آقای لوکاس گفته است تجارت چوبه دار اشکالی ندارد و "تجارت، تجارت است." او افزوده است که برخی از مردم سزاوار حکم اعدامند.

### سخنرانی مینا احدی....

روز چهارشنبه ۱۰ ماه مه به دعوت دانشگاه تریر، مینا احدی در جمع تعداد زیادی از علاقمندان و دانشجویان این دانشگاه، سخنرانی کرد.

از طرف مرکز دانشجویان این دانشگاه یک پوستر بزرگ تهیه شده بود که بر روی آن نوشته شده بود، "به نام الله" خشونت بر علیه زنان در کشورهای اسلام زده، دعوت به سخنرانی مینا احدی هماهنگ کننده کمیته علیه سنگسار، این پوستر وسیعاً در سطح شهر تریر توزیع شده و در دانشگاه نیز در سطح گسترده ای پخش شده بود.

اطلاعه این جلسه در رونامه شهر تریر چاپ شده بود و قبل از جلسه، روز سه شنبه ۹ ماه مه، مینا احدی با رادیو شهر تریر حدود نیم ساعت گفتگویی در مورد اسلام سیاسی و موقعیت زنان در کشورهای اسلام زده انجام داد.

جلسه سخنرانی ساعت ۶ بعد از ظهر روز چهارشنبه با خوشامدگویی دو نفر از سازمان دهندگان کنفرانس آغاز شد و سپس مینا احدی در یک سخنرانی یک ساعته در مورد انقلاب در ایران، شکست انقلاب و سرکوب جنبش انقلابی در ایران، حمله وحشیانه حکومت اسلامی علیه مردم و زنان و وجود یک جنبش قوی انقلابی بر علیه حکومت حرف زد. او در سخنرانی خود در مورد فعالیت‌های کمیته علیه سنگسار، مضمون این فعالیتها، ابعاد آن و اهمیت این فعالیت حرف زد و در پایان به نقد سیاست‌های دولتهای غربی و نسبت فرهنگی و مماشات با جریانات اسلامی پرداخته و از جنبش برابری طلبانه در کشورهای اسلام زده و وجود یک جنبش ضد مذهبی در ایران حرف زده و از همگان دعوت کرد به این جنبش یاری رسانند.

سخنرانی مینا احدی با استقبال زیادی در بین حاضرین روبرو شده و جلسه با سوالات و بحث‌های حاضرین ادامه یافت.

### برای نجات جان ولی فیض

#### مهدوی.....

سه شنبه ۱۶ ماه مه، روزی است که حکومت اسلامی اعلام کرده است، ولی فیض مهدوی را بجرم فعالیت سیاسی اعدام خواهد کرد. فیض مهدوی از زندان تا کنون دو پیام فرستاده و از همگان دعوت کرده است، برای نجات او کاری بکنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از مدتها قبل بر علیه این حکم وحشیانه حکومت اعلام یک کمپین کرده و در میتینگ‌هایی که در اروپا انجام داده، در مصاحبه فعالین کمیته علیه اعدام با رسانه های متعدد و ملاقاتهایی که با کمیسیون حقوق بشر پارلمانها و یا نمایندگان وزرات خارجه کشورهایی از اروپا داشته، در مورد این حکم صحبت

و از همگان می‌خواهیم که فوراً دست به کار شده و بر علیه این حکم وحشیانه مجموعه اقداماتی را در دستور گذارند.

ما از همگان دعوت میکنیم که از امروز تا سه شنبه، با ارسال نامه اعتراضی، با امضا طومارهای موجود در مورد این حکم اعدام، با برگزاری میتینگ و پیکت های اعتراضی در مراکز شهرهای بزرگ و با تماس با پارلمانها و اتحادیه اروپا، کاری کنند که رژیم اسلامی جرات نکند این جوان فعال سیاسی را بجرم هواداری از مجاهدین خلق ایران، اعدام کند.

این یک رفتار قرون وسطایی و وحشیانه است. به این حکم اعدام بهر طریق ممکن اعتراض کنید!

**کمیته بین المللی علیه اعدام**

۱۲ ماه مه ۲۰۰۶

کرده و خواهان اقدامات فوری شده است.

سازمان عفو بین الملل و چندین نهاد مدافع حقوق بشر به این حکم اعتراض کرده و از سوی سازمانهای و یا سایتهای مدافع حقوق انسانی، نیز تا کنون اعتراضاتی و از جمله جمع آوری طومار اعتراضی در دستور قرار گرفته است.

کمیته بین المللی علیه اعدام، اما بشدت نگران جان فیض مهدوی است و اعتراضات تا کنونی را برای اعمال فشار به حکومت و مجبور کردن این حکومت جنایتکار به عقب نشینی کافی نمیداند. لذا ما یکبار دیگر در این روزهای آخر قبل از اجرای حکم اعدام، از همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی، از احزاب و سازمانهای اپوزیسیون و از همگان می‌خواهیم که فوراً دست به

# مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است





## من و دو نازنین کمپین گسترده ای که انسانیت را نمایندگی میکند!

مینا احدی

در اوج نا امیدی و استیصال کسانی که اسیر یک مشت جلد شده اند، نوری در تاریکی می درخشد و این انسانها نیز می بینند که انسانیت زنده است امید به رهایی را تقویت میکند.

به حرفهای آن سویی خط در ایران فکر میکنم که امروز بعد از اینکه خبر پیدا کردن نازنین را داد، گفت، نازنین خوشحال شده است که شنیده کسانی در خارج از ایران او را کمک میکنند. او امیدش به شما است. و من از این سویی خط و از طرف صد و بیست هزار نفر که طومار را امضا کرده اند و از طرف خودم و نازنین در کانادا و همه نهادهای مدافع حقوق انسان و مخالف قتل عمد دولتی اعلام میکنم که ما نخواهیم گذاشت نازنین و نازنین ها در ایران اعدام شوند، ما نخواهیم گذاشت، صدای انسانیت، صدای نوع دوستی و دفاع از حق حیات و صدای بشریت مترقی خاموش شود.

**زنده باد فعالیتهای  
انسانهایی همچون نازنین  
و زنده باد انسانیت**



این احکام زندگی کنیم. نازنین دوم در کانادا اگر چه مشکل میتواند فارسی حرف بزند اما احساس و نگرانش از اعدام نازنین در زندان جمهوری اسلامی را راحت میتواند منتقل کند.

ابتدا تلفن اش روی پیامگیر است و من به او میگویم نازنین عزیز، نازنین محکوم به اعدام را پیدا کردم. با من تماس بگیر. میدانم که در کانادا حدود نصفه شب است ولی چون هر روز تقریباً از او پیام میگیرم که مینا بلکه او را پیدا کنی، همین نصف شب به او زنگ میزنم. یک لحظه بعد از قطع تلفن به من زنگ میزند. میگوید صدایت را شنیدم در خواب بودم اما خبر پیدا کردن نازنین را شنیدم دیگر نمیتوانستم بخوابم.

یک بار دیگر با او مفصل حرف میزنم که ما چه میکنیم و او چه کارهای دیگری میتواند انجام دهد. از اینکه باید همدیگر را ببینیم و از اینکه او میخواهد به بقیه محکومین به اعدام نیز کمک کند، حرف میزند و این عزم برای ادامه فعالیت در مقابله با احکام اعدام، مرا بیشتر خوشحال کرد.

من در یک هفته گذشته در چندین جلسه سخنرانی در مورد اهمیت و مضمون کارهای خودمان در نجات جان انسانها حرف زده ام و گفته ام که ما در فعالیتهای خودمان به انسانهای در اعماق جامعه امکان میدهم که چهره خود را عواطف و احساسات خود را نشان دهند، ما کبرا رحمانپور، افسانه نوروزی، فاطمه حقیقت پژوه و نازنین ولی فیض مهدوی و دیگران را به چهره های سرشناس در دنیا تبدیل کرده و سمپاتی عمیقی را بسوی این انسانها جلب میکنیم که کمک میکند جان این افراد نجات یابد. در قلب سیاهی و تباهی که جمهوری نکبت اسلامی در ایران به بار آورده، در

با اولین تلفن از آن سویی خط می شنوم، پیدایش کردیم. و من سر از پا نمی شناسم هزار بار از گوینده این خبر تشکر میکنم و از راه دور او را در آغوش میگیرم و میبوسم. از احوال نازنین می پرسم. و آخرین اخبار وضعیت او را جویا میشوم. بعد از قطع تلفن به ایران، مجدداً با خوشحالی تلفن را برداشته و این بار میخواهم خودم با نازنین حرف بزنم. یک نازنین دیگر که در طول دو هفته گذشته، یک رابطه عاطفی بین من و او ایجاد شده است. دختر نازنینی که در کانادا ملکه زیبایی شده و اکنون با دیدن اسم نازنین ۱۸ ساله در ایران و هم اسم بودن دو نفر، قصد کمک به نازنین در آستانه اعدام را کرده است.

فراخوان کمپین اعتراضی داده و ۱۲۰ هزار نفر، بله صد و بیست هزار نفر طومار اعتراض به قتل عمد نازنین ۱۸ ساله را، در مدت کوتاهی امضا کرده اند. او که بیصبرانه خواهان کمک بیشتر، خواهان ارتباط گیری و خواهان انجام اقدامات ویژه تر است، از طریق مصطفی صابر دبیر سازمان جوانان کمونیست به ما وصل شده بود.

من با نازنین در کانادا تا کنون چندین بار تلفنی حرف زده و از اینکه برای نجات جان انسانهایی که در زندان جمهوری اسلامی ایران در شرایط وحشتناک به سر برده و با مرگ دست و پنجه نرم میکنند، فعالیت میکنند، به او درود میفرستم. من از وجود این جوان انسان دوست که از امکانات خود برای یک امر انسانی و دفاع از جان انسانها مایه میگذارد احترام و الایبی قایلیم. و امیدوارم که این جنبش انسانی برای لغو قوانین اعدام و لغو همه احکام اعدام چنان همه گیر شود که ما بتوانیم در دنیایی بدون

صبح روز جمعه ۱۲ ماه مه است و من مثل همیشه، مروری بر کارهای روزمیکم و برنامه میریزم که امروز را صرف چه کاری بکنم. این روز قبل از هر چیز باید به جستجوی خودم برای یافتن سرخنی از نازنین ۱۸ ساله در ایران ادامه دهم. مدتها بود که این به مشغله من تبدیل شده بود. دختر جوانی که به دلیل دفاع از خود و یک دختر همراهش و در جریان مقاومت در مقابل دو پسر جوان که قصد تجاوز به او را داشتند، متأسفانه یکی از این دو نفر را به قتل رسانده است. اکنون نازنین در یک زندان مخوف، با کابوس اعدام دست و پنجه نرم میکند.

در وراي دیوارهای وحشتناک زندان و و ماورای رفتار وحشیانه و توهین آمیز زندانبانان دنیایی وجود دارد که انسانی است و دنیایی با قلبی بزرگ، که به کمک نازنین ۱۸ ساله برخاسته است.

دو ماه پیش بود که در ایتالیا کمیته نجات نازنین اعلام موجودیت کرد و "اما بونینو" زن سرشناس مدافع حقوق بشر نیز عضو آن شد، قرار بود در پارلمان اروپا، با او نشستی داشته باشیم و طبعاً آنها را نیز تشویق کنیم که به این فعالیت ادامه دهند. عفو بین الملل اعلام کمپین کرده، و همچنین سازمان "تره ده فام" بزرگترین سازمان مدافع حقوق زن در آلمان.

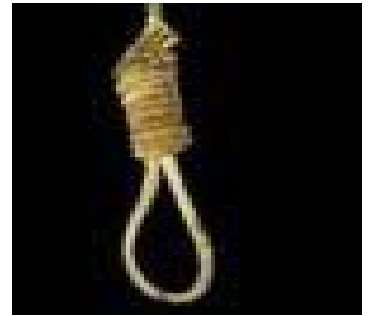
صبح روز جمعه ۱۲ ماه مه است و من که کمی فارغ از سفر و سخنرانیهای فشرده دو هفته اخیر هستم، به جستجوی خودم در ایران ادامه میدهم. تلفن به هر کس و یا گروهی که امکان دارد سرخنی از نازنین داشته باشد. از دو هفته گذشته به تعداد زیادی تلفن کرده و پیام داده ام، و اکنون باید نتیجه را ببرسم.



2005/12/31

# تجارت مرگ

مسعود ابراهیم نژاد



که مجازات اعدام درست در همین کشورهای مدرن سرمایه داری ملغی گردیده است، دلیل آن پایبندی سرمایه داری و امپریالیستها به حقوق بشر نیست. بلکه ترس از مردم و از دست دادن قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی آنها را وادار به عقب نشینی و دادن امتیاز به خلق کرده است. چرا که همین بازار سرمایه داری بود که برای حفظ منافع خود بسیاری از رژیمهای دیکتاتوری و خونریز مانند جمهوری اسلامی ایران و یا حکومت طالبان در افغانستان و بسیاری حکومتهای ضد بشری را در سراسر دنیا برای حفظ منافع فقیر اقتصادی خود به قدرت رسانده است. و مجددا نیز برای کسب منافع اقتصادی بیشتر با راه اندازی جنگهای خانمانسوز و ویرانگر، مرگ و فقر و بد بختی را به مردم محروم تحمیل میکند. آری دنیای سرمایه برای بقا و ادامه حیات خود به دنیای جنایت نیاز دارد. تولید سلاح یا آلات و ابزار اعدام و قتل و کشتار که همگی یک هدف را دنبال میکنند و آنهم حفظ منافع حقیر اقتصادی تولید کنندگان آن است، تجارت مرگ را نیز مجاز و قابل توجیه می شمارد.

میشود. فکر میکنم کم کم داریم به ربط قضایا و دلایل وجود چنین شرکتها و اشخاصی در دنیای سرمایه داری پی میبریم. آری دقیقا همان چیزی است که همه به فکرش افتادیم. نفع اقتصادی و دسترسی به درآمدهای کلان، حرف و هدف اول و آخر سیستمها و نظامهای سرمایه داری میباشد. غالب مشتریان نمایشگاه سالانه مدرنترین سلاحها و ادوات کشتار جمعی، هم همانطور که قابل انتظار میباشد را نیز کشورهای با درصد بالای نقض حقوق بشر تشکیل میدهند. دولتهایی مثل جمهوری اسلامی ایران که تنها و تنها هدف آن ادامه حکومت و حفظ قدرت با هر وسیله ممکن میباشد بزرگترین منابع درآمد مالی برای شرکتهای چند ملیتی اسلحه سازی را تشکیل میدهند. از بیان دو نمونه فوق میخواستیم خیلی صریح و واضح به یک نتیجه گیری برسیم. نتیجه گیری من هم بر میگردد به مسئله اعدام و ارزش جان یک انسان بر پایه معادلات در سیستمهای سرمایه داری. در معادلات بازار و دنیای سرمایه داری ارزش جان یک انسان دقیقا در مراتب بسیار پایین تر از منافع اقتصادی دارد. اگر ما امروز میبینیم

وقتی هدف فقط منافع اقتصادی باشد، مسلما فروش ابزار و آلات اعدام نیز توجیه میگردد. در اینجا باید بپردازم به موضوع ارزشهای انسانی و اخلاقی که به یک چنین تجارتی اجازه وجود و ادامه حیات میدهد. چرا با وجود اینکه مجازات اعدام در خود بریتانیا و اروپا ملغی شده است، کسانی و یا شرکتهایی از همین کشورها دست به ارسال ادوات اعدام به جهان سوم میکنند؟ اگر ارزشهای انسانی و اخلاقی حاکم بر چنین کشورهایی را عامل و مشوق این تجارت فرض کنیم، شاید مسئله در ظاهر امر قدری دور از واقعیت جلوه کند. اما در عمل من فکر نمیکنم که چنین باشد و این در واقع از ارزشهای قالب بر سیستم اقتصادی و سیاسی چنین کشورهایی نشأت میگیرد. با یک مثال به این بحث ادامه میدم. بر حسب تصادف درست یک روز قبل از اینکه این مطلب را در سایتهای فارسی (البته با توصیه دوستی) خوانده باشم، برنامه مستندی را در تلویزیون کانال 2 نروژ مشاهده کرده بودم که اون در مورد نمایشگاه سالانه مدرنترین و مخرب ترین آلات و ابزار و سلاحهای جنگی بود که اونهم اتفاقا در بریتانیا و در شهر لندن برگزار

روز چهارشنبه 10 مه مطلبی روی سایتهای فارسی نظرم رو جلب کرد و در واقع من را به تامل واداشت که لازم دونستم ضمن نقل این مطلب برای خوانندگان محترم، چند سطری هم پیرامون آن بنویسم. خبر به این صورت درج شده بود که سازمان عفو بین الملل، یک شهروند بریتانیایی که به ساخت و فروش چوبه دار اشتغال دارد را محکوم نموده است! بدون شک شما هم به اندازه من از این خبر بهت زده و متعجب شده اید. آری این شهروند محترم!!! بریتانیایی که دیوید لوکاس نام دارد به شغل غیر عادی تجارت ابزار و آلات اعدام، اشتغال دارد. مشتریان این تاجر مرگ را نیز کشورهای با درصد بالای نقض حقوق بشر تشکیل میدهند که زیمبابوه نیز یکی از این کشورها میباشد. در پاسخ خبرنگار که از وی در مورد این تجارت غیر عادی سوال کرده آقای لوکاس گفتند که "تجارت تجارت است". یعنی در واقع شکل کار مهم نیست، بلکه درآمد و سودی که از آن کار عاید میشود مهم است. خوب با این طرز تفکر لابد همه به خوبی میتوانند تصور کنند که چنین اشخاصی دست به چه کارهایی میتوانند بزنند که به منافع اقتصادی بیشتری دست پیدا کنند.

از این سایت ها دیدن کنید:

www.jawanan.org  
www.m-hekmat.com  
www.rowzane.com  
www.hambastegi.org  
www.azadizan.com  
www.wpiran.org  
http://group.yahoo.com/group/javanankomonist/  
Www.adpi.net

کمک مالی به

کمیته بین المللی علیه اعدام

برای نجات جان فاطمه و صدها زندگی دیگر!

شماره حساب برای پرداخت کمک مالی

شماره حساب:

International comitte against executions  
Plus Giro 3-412085  
Sweden

**اعدام ... اعدام ها**  
**از وبلاگ در این جا چیزی پنهان**  
**نیست**  
[www.samnak.blogspot.com](http://www.samnak.blogspot.com)

امسال تا به این لحظه خبر اعدام ۱۲ نفر فقط در تهران اعلام شده است. حکم اعدام ۱۵ نفر دیگر تائید شده و به احتمال فراوان ظرف روزهای آینده حکم اعدام این ۱۵ نفر به اجرا درخواهد آمد. این درحالی ست که امسال تنها ۲ نفر توانسته اند در پی رضایت اولیای دم از زیر حکم اعدام رهایی یابند. در گوشه و کنار و در شهرهای دیگر کشور نیز هنوز مشخص نیست که آیا کسی اعدام شده

یا خیر. اما با توجه به سابقه ی جمهوری اسلامی در اعدام زندانیان و زهر چشم گرفتن بیشتر از مردم بعید به نظر می رسد که در مناطق دیگر از جمله کردستان خوزستان و سیستان و بلوچستان دست به اعدام زندانیان سیاسی و غیره نزده باشد. طبق گزارشات و اخبار سازمان ها و نهادهای حقوق بشر و افراد مستقل در زمینه حقوق بشر و مبارزه با مجازات اعدام و همچنین با توجه به نامه عماد الدین باقی به قوه ی قضائیه در مورد توقف اعدام ها در ایران سال گذشته به طور متوسط هر روز یک حکم اعدام صادر یا اجرا شده است. با توجه به اینکه امسال دستگاه سرکوبگر جمهوری اسلامی با شدت بیشتری سرکوبگری های همیشگی خود را آغاز کرده است بیم آن می رود در این

شرایط که جامعه ی جهانی روز به روز جمهوری اسلامی را به دلیل زیر پا نهادن قوانین و مقرارت بین المللی حقوق بشر بیشتر رسوا می کند و در حالی که سیاست ها در پیش گرفته شده از سوی حاکمان جمهوری اسلامی ایران را تا حد یک انزوای کامل بین المللی سوق داده است دستگاه سرکوبگر این رژیم در داخل زندان ها از جمله زندان اوین گهر دشت و رجائی شهر دست به اعدام های دسته جمعی بزند و بار دیگر مردم کشور و افکار عمومی بین المللی را نگران جان صدها و هزاران زندانی دیگر در داخل کشور کند که بیشترشان را آزادیخواهان

آزادیخواهان و فعالان سیاسی و مدنی و زنان بی دفاع تشکیل می دهند. این نگرانی ها در حالی افزایش یافته است که تلاش سازمان ها و نهادهای مدافع حقوق بشر و مبارزه با مجازات اعدام برای نجات جان ولی الله فیض مهدوی فاطمه حقیقت پژوه نازنین کبری رحمانپور که قرار است به همراه عده ای دیگر تا پایان همین ماه اعدام شوند تا این لحظه بی نتیجه مانده است. جمهوری اسلامی و دستگاه قضائی تا این لحظه کوچکترین توجهی به درخواست های بین المللی و داخلی برای لغو حکم اعدام افراد نامبرده نداشته اند.

**گفتگو با پدر الهام**  
**افروتن: از آزادی دخترم**  
**خبری نیست، نگرانم**  
**از وبلاگ کانون زنان ایرانی**  
[www.irwomen.com](http://www.irwomen.com)

در حالی که در آخرین اخبار اعلام شده بود که شادی صدر وکالت الهام افروتن را پذیرفته است، چندی پیش خبرگزاری ها به نقل از عبدالصمد خرمشاهی به عنوان وکیل الهام افروتن، اعلام کردند که جلسه دادگاه او 19 اردیبهشت ماه برگزار خواهد شد. در خصوص این تغییر با خانواده و وکیل او تماس گرفتیم. این بار با پدر الهام گفتگو کردم. به نظر می رسید که خانواده افروتن با حسن نیت بیشتری نسبت به دفعه قبل با خبرنگاران برخورد می کنند. محمد افروتن، پدر الهام وقتی از او درباره وضعیت پرونده دخترش پرسیدم با سادگی پاسخ داد که "من نمی دانم پرونده الهام در چه وضعیتی است. فقط می دانم که وکیل او عوض شده". آقای افروتن از دلیل تغییر وکیل الهام نیز بی اطلاع بود: "من دلیل این تغییر را نمی دانم. فقط با خبر شدم که وکیل الهام

عوض شده است. چیز دیگری به من نگفتند". آقای افروتن شما هم مانند همسران مطمئن هستید که الهام آزاد می شود؟ "نمی دانم بخدا. الهام خیلی صاف و ساده است. قاضی پرونده هم اوایل ما را خیلی امیدوار کرد. اما بعد از مدتی دیدیم که نه، خبری از آزادی الهام نیست. نگرانم و امیدوارم به لطف خدا و کمک شما [خبرنگاران] الهام آزاد شود". نظرتان راجع به سخنان آقای دیرباز در دادگاه مبنی بر اینکه نسبت به اقدام الهام مشکوک هستند، چیست؟ "راستش من در آن دادگاه حضور داشتم. فقط شنیدم که آقای دیرباز گفت الهام در دندانی پزشکی کار می کرده و بقیه این چیزها را متوجه نشدم. اما بعدا شنیدم که گویا حرفهای دیگری هم گفته است. نمی دانم. واقعا نمی دانم چرا این طور برخورد کردند". آقای افروتن، از الهام خبر دارید؟ "بله. حالش خوب است و مرتب با ما تماس می گیرد. من هم دو هفته تهران بودم. هر سه شنبه هم امکان ملاقات دارد." **الهام ترسیده است** عبدالصمد خرمشاهی که پیش

ازشادی صدر نیز وکالت افروتن را عهده دار بود، در پاسخ به این سوال که آیا در حال حاضر شما و خانم صدر با هم وکالت الهام را بر عهده دارید، می گوید: "خبر "و توضیح می دهد: "الهام تمایل داشت که من وکالتش را بر عهده بگیرم". خرمشاهی درخصوص آخرین وضعیت پرونده الهام توضیحی نمی دهد و می گوید: "مسائل حقوقی را در دادگاه بیان خواهم کرد". خرمشاهی با بیان اینکه تا کنون دو بار الهام را ملاقات کرده، می گوید که او را دختر جوانی می بیند که به نویسندگی و مسائل اجتماعی علاقمند است: "الهام تقریبا دو سال است که کار خبرنگاری را آغاز کرده و تا جایی که پرونده را مطالعه کردم و صحبتهای او را شنیدم، دختر جوانی است که به نویسندگی علاقمند است و حوزه کار او اجتماعی و طنز بوده است. خارج از محتوای پرونده، استنباط من این است که این مقاله حاصل بی دقتی الهام و سهل انگاری او بوده و ظاهرا سو نیتی در کار نبوده است." وکیل مدافع الهام افروتن می گوید: "الهام مدعی است که تا بحال وارد حوزه سیاست نشده است." در حالی که صدر در گفتگوهای

خود با خبرنگاران با قطعیت از بی گناهی مولکش و اطمینان از آزادی او سخن می گفت، خرمشاهی در توضیحاتش در خصوص موکل خود از عباراتی همچون "ظاهرا" و "مدعی است" استفاده می کند، وقتی این نکته را با او در میان می گذارم، پاسخ می دهد: "من که از باطن قضایا خبر ندارم. مقاله چاپ شده هم مقاله ی ساده ای نیست اما ظاهر قضیه نشان می دهد که تعدی در کار نبوده. الهام مقاله را کامل و با دقت خوانده، بیمار بوده و عجله داشته که صفحه را زود تر پر کند." دلیل تغییر وکیل مدافع الهام افروتن نکته ایی است که به نظر قدری عجیب می آید. چرا که بر اساس اطلاعات من، الهام هنگامی که پیشنهاد شادی صدر را مبنی بر اینکه حاضر است وکالت او را بپذیرد دریافت کرده، با خوشحالی از این پیشنهاد استقبال و آن را پذیرفته است. پرونده ات در مسیر خوبی قرار خواهد داد و الهام هم ترجیح داده که تنها عبدالصمد خرمشاهی وکالت او را عهده دار شود."